

لیست اسامی خاص برای نام شرکت ها

نام	معنا	نام	معنا
کارو	نوید دهنده(ارمنی)	فرداد	شکوه و زیبایی
کاراکو	نام یکی از سرداران ماد	باتاب	مشاور
کامک	آرزو و خواهش کوچک	باتس	تورنج
راسا	هموار و صاف(کردی)	باتیس	نام قلعه
رامش	فراغت و آسودگی	بادیز	پاییز
روناک	روشن(کردی)	بارید	پرده دار
ویدا	آموزنده و تعلیم دهنده	باردان	خورجین
زینو	زنده و پایرجا(کردی)	باتر	پهلوان
سانا	سهل و آسان	باتیر	نام کوه
سورن	نام خانواده زرتشتی	بادامه	پيله ی ابریشم
کیان	شاهان	باروج	بخشی از مرد
ساینا	خاندانی از موبدان زرتشتی	باراز	دهی در بیرجند
سوبا	فردا	بارکاو	موزون و هماهنگ
بارمان	محترم و لایق	پردیس	بهشت
باروس	دهی در نیشابور	آراد	فرشته
بادیمه	محلّی در خرم آباد	آداک	جزیره
بارنگ	ملون و رنگ دار	کارمانیا	نام قدیم کرمان
سیوان	روستایی از توابع خوی	تتیس	رب النوع دریا و دختر(یونانی)
پارتاک	نام پیشین اصفهان	توکان	طوفان
اسپادانا	از سپاه آمده	پارسوماش	ذات پارسا(نام مسجد سلیمان)
ویونا	دهی از توابع نطنز	رهام	مسافر،رها شده
آروین	تجربه	فاطر	آفریننده
رادین	جوانمرد	مبین	آشکار
سگال	اندیشه	آپادانا	نام کاخی در پرسپولیس
آراک	نام اراک	دکاموند	روستایی در لرستان
افرند	زینت و زیور	لیماک	روستایی در رامسر
آساک	نام قدیم قوچان	روژان	روزها(کردی)
آژند	سنگین،با ادب	مهام	مهم،بزرگ
ویستا	مانند ویس(معشوقه ی رامین)	ویرا	هوشمند
فرتاک	فردا،آینده	لوتوس	گل نیلوفر آبی
هیراد	دارای چهره ی شاد	آرتا	راست و درست
تکین	شاهزاده(ترکی)	آماتیس	رنگین بنفش
آيسان	گوشه عالم(هندی)	آیریا	همان آریا،نژاد
صدرا	ارباب(ترکی)	ایتوک	مژده
ایساتیس	نام قدیم یزد	آروند	باشکوه
رسام	رسم کننده،نقاش	ایرسا	آسمانگون
هیواد	امید،آرزو	تاو	توانایی و قدرت
پرهام	فرشته خوبی	رواق	در و آستانه
آراز	قهرمان(ترکی)	وارنا	شمال کوه البرز(اوستای)

پاک	آویژه	هدف	ویژن
سرزمین های بلند	آکام	قدرتمند	پرگاس
صنعت	فیدار	مروارید درخشان	درنیکا
نام دهی از توابع جوانمرد	ساتیار	روی زیبا	رونیکا
خانه شاهان	اسپرلوس	نام گل های زرد	آمیثیس
پادشاه ایرانی(پسر اردشیر)	آرسس	اولین باران بهاری	برساد
صفت نیک	آرون	نام دهی در کاشان	آران
نوشیدنی	آشام	بانگ، فریاد	آژی راک
درخشش	آدرخش	نام یکی از بزرگان روم	آدرین
نام دهی از رودسر	لیما	قالب خشت	آخیز
نام دهی در نهاوند	لیدان	نام محلی در لرستان	لیلام
نام قدیم خوزستان	اوکسین	نام قدیم تبریز	تاواریژ
نام سردار ایرانی	آریو	نام قدیم اردبیل	آرتاویل
والی(یونانی)	ساتراپ	پوشش	ساتر
نام سردار سکائی	ساتراس	دهی در دماوند	ساران
آرامش یافته	آرمیتا	نام گل	فرناد
انسان نیکوکار(اوستای)	آبتین	نام پزشک هخامنش	آبادیس
نامدار	آدلی	مفید، سودمند	آداس
توانا	سورین	نام سردار اشکانی	کارن
محبوب(گیلگی)	رایکا	قابل ستایش	سپنتا
تخت پادشاهی	اورنگ	بخشنده	مهرداد
از ممالک قوم پارت	کارینا	نام روستایی در رفسنجان	سارین
عاقل، زیرک	آرتین	نام برادر داریوش	آرتان
نام درخت	نارون	مایه اطمینان(ترکی)	آرکا
اوستا(کتاب مقدس)	وستا	منطقه ی مرزی در غربا ایران	لاوین
قله کوه(کردی)	آکو	شخص همیشه پیروز	آرمین
نام وزیر ساسانی	رامان	نهر آب(مازندرانی)	سوما
راه عبور	راشا	عربی ساریان	سیروان
پرنده خوش آواز	نارو	پویا	نادین
خواهش، امید، آرزو	ونداد	توشه(کردی)	راشین
نام باستانی	ساتیا	برنا، جوان	ورنا

نمونهایی از نامهای منتخب برای ثبت شرکت

آ

آبادان : خرم و باصفا

آبتین : نام پدر فریدون پادشاه پیشدادی

آبدوس : نام یکی از درباریان اردوان سوم اشکانی

آیستا : اوستا

آتروپات : نام والی آتروپاتن (آذربادگان)

آتترین : نام پسر اوپدرم در زمان داریوش بزرگ

آتش : فروغ و روشنایی

آخشیج : نماد، عنصر

آذر : آذر، آتش

آذرباد : نام موبد موبدان دوران شاپور

آذر بُرزین : نام موبدی بوده

آذر بُرزین : نام موبدی بوده

آذرایین : نام پسر آذرساسان

آذرافروز : نام پسر مهرنوش پسر اسفندیار

آذریاد : نام موبد موبدان روزگار شاپور دوم

آذربُد : نام پسر هومت که نوشتن نامه دینکرد را به انجام رساند

آذربود : موبدی در زمان یزدگرد

آذرپژوه : پسر آذرایین پسر گستهم نویسنده کتاب گلستان دانش

آذریناه : نام یکی از ساتراپ آذربادگان

آذرخش : صاعقه، برق

آذرفر : در اوستا به دارنده فر آذر

آذرکیوان : از موبدان بزرگ شیراز در روزگار حافظ

آذرمهر : نام موبدی است در زمان کواد

آذرنوش : در اوستا به دوستدار فرهنگ

آذین : زیور، نام فرمانده لشکر بابک خرمدین

آراستی : نام عموی زرتشت و پدر میدیوماه

آرتمیس : نام فرمانده نیروی دریایی خشایار شاه از دودمان هخامنشیان

آرتین : نام هفتمین پادشاه ماد

آرش : پهلوان و یکی از بهترین تیراندازان ایرانی

آرمان : آرزو، خواسته

آرمین : آرامش، آسودگی

آریا : اصیل و آزاد، فرمانده ارتش ایران در روزگار کورش

آریامن : نام فرمانده ناوگان خشایار شاه

آریامنش : نام پسر داریوش

آریامهر : دارنده مهر ایران

آرتاباز: از نامهای برگزیده

آریوبرزن : دلاور و پهلوان. سردار داریوش سوم

آزاد : نام بهدینی که در فروردین پشت ستوده شده

آزاد منش : راد، جوانمرد، دارنده خوی آزادگی

آزادمهر : از نام های برگزیده

آژمان : بی زمان

آسا : نام پدر بهمن که در چکامه از او یاد شده

آستیاک : نام چهارمین و آخرین پادشاه ماد

آونگ : آویخته، نگهدارنده

آویز : آویختن، نگهداری

آیریک : نام نیای یازدهم اشوزرتشت

آبدَه : بی آغاز

آبیش : بی رنج

اپرنگ : نام پسر سام

اَپروَند : دارنده بلندی و شکوه یا فرهمند

اَپروَیژ : پیروزمند و شکست ناپذیر . نام خسرو دوم پادشاه ساسانی

اَپیوه : نام پسر کیفیاد نخستین پادشاه کیانی

اَترس : دلیر، بی ترس

اَرتان : راستگو. نام پسر ویشناسب

ارج : ارزنده. نام یکی از نیاکان زرتشت

ارجاسب : اوستایی آن یعنی دارای اسبان پرارزش

ارجمند : با ارزش

ارد : نام چند پادشاه اشکانی و بزرگترین فیلسوف جهان امروز حکیم ارد بزرگ

اردشیر : نام پادشاه هخامنشی و ساسانی

اردلان : از واژه ارد ایرانی است

اردوان : در اوستا ، پشتیبان راستی و درستی است

ارژنگ : نام سالار مازندران

ارشا : راست و درست

ارشاسب : دارنده اسبهای نر

اَرشام : پسر عموی داریوش بزرگ

اَرشان : نام نیای داریوش بزرگ

ارشک : نام نخستین پادشاه اشکانی

اَرشَن : نام برادر کاووس

اروتندر : نام پسر میانی اشوزرتشت. فرمان گذار

اروند : شریف- نجیب. نام پدر لهراسب

اَزیرن : گاه پسین

اسپاد : دارنده سپاه نیرومند

اسپنتمان : نام خانوادگی و یکی از نیاکان اشوزرتشت

اسپهبد : نام پدر بزرگ خسرو انوشیروان

اسفندیار : نام پسر کی گشتاسب کیانی و برادر پشوتن

اشا : راستی ، درستی ، راه خوشبختی

اشاداد : داده پاکى و پارسایى

اشتاد : راستی

اشکان : نام سومین نیای پاکر

أشهن : گاه سپیده دم، آغاز روشنایی

أشوداد : نام برادر هوشنگ پیشدادی

اشوْفُرَوَهَر : پاکروان

اشومنش : پاک منش

افروغ : روشنایی و فروغ. از مفسران اوستا در زمان ساسانیان

افشین : نام سردار ایرانی

اقاقیا : درختی با گل های سپید

اگومان : بی گمان

البرز : کوه بلند. نام پهلوانی است

الوند : توانا و تیزپا

امید : نام پدر آذرپات، از نویسندگان نامه دینکرد

امیدوار : نام پسر خواستان دیلمی از سرداران مازیار

اندریمان : کسی که اندیشه اش در پی شهرت و ستایش است

آنوش : بی مرگ. جاویدان . هم برای دختران و هم پسران بکار می رود آنوش و انوشه

انوشیروان : پاکروان، پادشاه ساسانی

أهنود : رهبری و فرمانداری . نخستین بخش از سروده گاتها

اهورا : هستی بخش، خداوند

اوتانا : نام یکی از یاران داریوش

أوخشیا : بخشاینده

أورداد : از سرداران کورش بزرگ

اَوْرَكَم : نام پسر داریوش هخامنشی

اورمزدیار : خدایار، یاور اهورا

اَوْرَنگ : تخت پادشاهی . نام فرستاده پادشاه کشمیر به یمن

اَوژن : زننده و شکست دهنده دشمن

اوس : در اوستا به چم دارنده چشمه ها

اوستا : دانش، کتاب دینی

اوستائَه : نام سردار سغد در زمان هخامنشی

اوشه : بامداد و سپیده در اوشهین گاه

اوشیدر : پروراننده قانون مقدس

ایدون : اینچنین، اینگونه

ایران پناه : از نام های برگزیده

ایرانپور : از نام های برگزیده

ایرانشاه : نام یکی از بزرگان ایران

ایرانمهر : روشنایی ایران

ایرج : یاری دهنده آریایی ها

ایزد : ستایش و ستودن

ایزدیار : یاور ستودنی

ایسَدواسْتَر : خواستار کشتزار و آبادکننده. بزرگترین پسر اشوزرتشت

ب

بابک : نام پسر ساسان در زمان اشکانیان

باتیس : نام دژیان غزه در هنگام داریوش سوم

بادرام : کشاورز

باربُد : نام نوازنده و رامشگر نامی زمان خسرو پرویز

بامداد : نام پدر مزدک

بامشاد : نام نوازنده. نامی در روزگار ساسانیان

بامگاه : هنگام بامداد

بایگان : نگهدارنده

بخت آفرین : نام پدر هیرید شهریاری

بختیار : از فرزندان رستم در روزگار خسرو پرویز

بخشا : از نام های روزگار هخامنشیان

بدخشان : لعل

بدره : بهره. نام یکی از سرداران خشایار شاه

بِرازمان : بلند اندیشه

بَر دیا : نام پسر کوچک کورش

بُرزو : بلندبالا. نام پسر سهراب

بُرزویه : نام رییس پزشکان شاهی در روزگار خسرو

بَرسام : نام یکی از سرداران یزدگرد ساسانی

بَرسم : شاخه های گیاهی

بَرشَنوم : پاک و تمیز

بَرمک : نام وزیر شیروی ساسانی

بُزرگمهر : نام مهین دستور انوشیروان دادگر

بَگاداد : نام یکی از سرداران ایرانی روزگار هخامنشی

بَگاش : نام یکی از سرداران هخامنشی

بلاش : نام نوزدهمین پادشاه ساسانی

بُندار : دارنده اصل و بنیاد

بُنشاد : شاد بنیاد

بَهاوند : در اوستا به چم و هوونت دارنده نیکی

بِهراذ : نیکی بخش

بهرام : فتح و پیروزی است. نام پهلوانی در شاهنامه

بهرامشاه : نام یکی از دانشمندان و عارفان زرتشتی

بِهروز : روزگار نیک و خوش

بِهزاد : نام یکی از پهلوانان ایران پسر پیل زور

بِهمرد : از نام های برگزیده

بِهمن : نیک منش. نام پسر اسفندیار

بِهنام : نیک نام

بویار : دارنده زمین. نام کشاورزی در زمان خشایار

بوجه : رهایی یافته. نام یکی از بزرگان هخامنشی

بوخشا : رستگار

بیژن : نام پسر گیو

پ

پارسا : پرهیزکار

پاساک : نام برادر زاده داریوش بزرگ

پاکدین : دین درست، دین پاک

پاکروان : پاک باطن، نیک نفس

پاکزاد : پاک نژاد، نجیب

پاکمهر : از نام های برگزیده

پالیز : کشتزار

پَته مانی : دادگستر

پدرام : نام نبیره سام. درود، شادباش

پرچم : درفش

پَرنگ : نام پسر سام

پرهام : از نام های برگزیده

پرویز : شکست ناپذیر و پیروزمند. کنیه خسرو دوم ساسانی

پَریُرز : بلند بالا، نام پسر کیکاووس

پژدو : نام نیای اشوزرتشت، بهرام پژدو از چکامه سرایان نامی زرتشتی

پژمان : از نام های برگزیده

پَشَنگ : نام برادر زاده فریدون پیشدادی

پشوئن : پیشکش کننده تن یا فداکار

پوروشسب : دارنده اسبان زیاد پدر اشوزرتشت

پوریا : نام یکی از پهلوانان ایران

پولاد : نام پسر آزادمرد پسر رستم

پویا : جوینده

پویان : پویدن

پیروز : پادشاه ساسانی

پیروزگر : پیروز، کامیاب

پیشداد : نخستین قانون گذار، بنیانگذار عدل و دادگری

پیلتن : پهلوانی بوده از فرزندان رستم زال

پیمان : مهر، عهد

ت

تاژ : برادر هوشنگ پیشدادی

تخشا : کوشنده

تسو : واحد زمان

تکاپو : جستجو

تئیسر : نام موبد موبدان روزگار اردشیر بابکان

تئماسب : از بزرگان ملک دار پادشاه ایران

تئمتن : بزرگ پیکر

تهمورس : دلیر و پهلوان. نام دومین پادشاه پیشدادی

توانا : نیرومند، زورمند

تور : نام پسر شاه فریدون

تورج : دلیر و پهلوان

توس : نام پسر نوذر یکی از پهلوانان نامی ایران

تیرداد : بخشنده تیر. نام دومین پادشاه اشکانیان

تیس : نام درختی است

تیگران : نام یکی از سرداران خشایار شاه

ج

جان پرور : نشاط انگیز

جانان : دلپرو زیبا

جاوید : نام پدر اردشیر یکی از بهدینان خراسان

جم : مخفف جمشید

جمشید : از پادشاهان پیشدادی

جهانگیر : نام پسر رستم زال پهلوان نامی ایران

چ

چالش : با ناز و غرور

چالیک : از بازی‌های کودکان

چلیپا : گردونه مهر

چوگان : ابزار بازی قدیمی

چینود : چگونه زیستن

خ

خدابخش : از نام‌های برگزیده

خداداد : از نام‌های برگزیده

خدایار : از نام‌های برگزیده

خدیو : بلند جایگاه، سرور

خرمند : نام یکی از پیروان دستور آذرکیوان

خرم : شادمان، خوش

خسرو : نیک آواز. نام پادشاه ساسانی

خشاشه : از سرداران ایرانی در دوره پادشاهی شاه گشتاسب

خشاشه : از سرداران ایرانی در دوره پادشاهی شاه گشتاسب

خشایار : شاه دلیر و مردمنش

خشنود : شاد، شادمان، خوشحال

خورسند : راضی

خوش‌منش : نیک نهاد

خوشنام : درستکار، نیک‌نام

خُونیرث : نام یکی از هفت کشور زمین

د

دائِه : دادگری، قانون

دادار : دادگر، عادل

دادبان : نگهبان قانون

دادبه : قانون خوب

دادبه : قانون خوب پسر دادگشنسب که نامه تنسر را به تازی برگردانده

دادپویه : از شاگردان موبد کیخسرو پور آذرکیوان

دادجو : جوینده عدل و داد

دادخواه : خواستار عدل و داد

دادرس : دادرسنده

دادفر : از نام های برگزیده

دادمهر : از نام های برگزیده

دادنام : از نام های برگزیده

دادور : دادگر، عادل

دارا : دارنده، نام نهمین پادشاه کیانی

داراب : نام پسر بهمن، هشتمین پادشاه کیانی

داریوش : نام سومین شاهنشاه هخامنشی

داژو : سوخته، داغ

دانا : هوشیار، آگاه

داور : نام موبدی است

دریز : نام داماد داریوش بزرگ

دَسَم : فرمانده ده تن سرباز

دلاور : دلیر، قهرمان

دماوند : نام سرداری در زمان ساسانیان

دهناد : از نام های برگزیده

دینشاه : یاور و سرور دین

دینیار : یاری دهنده دین

دیهم : کلاه پادشاهی

ر

راتین : بخشنده. یکی از سرداران اردشیر دوم

راد : بخشنده

رادمان : سخاوتمند. نام سپهدار خسرو پرویز

رادمهر : مهربخش. نام سردار داریوش سوم

رادین : بخشندگی

رازقی : گل سپید، گونه ای انگور

رامتین : نام چنگ نواز نامی خسرو پرویز

رامیار : کسی که ایزد رام (شادمانی) یاور اوست

رامین : نام یکی از فرزندان کیخسرو

رپیتون : گاه نیمروزی

رَتوشتر : نام برادر بزرگتر اشوزرتشت

رَتوناک : دارای بزرگی و سروری یکی از بزرگان هخامنشی

رَخشان : تابان، از سرداران داریوش

رَزین : واژه پهلوی به چم زورمند

رَسام : نام پیکار نگار بهرام گور

رستم : بالش و روینده. پسر زال پهلوان نامی ایران

رشن : نام یکی از مفسران اوستا

رَشَنُو : ایزد دادگری و آزمایش

رشنواد : نام سپهدار همای بهمن

رَنگوشتر : نام برادر بزرگ اشوزرتشت

رها : آزاد

رُهام : نام یکی از پهلوانان ایرانی. پسر گودرز

رهی : آزاد، رها

روزبه : نام وزیر بهرام گور

روشاک : نام یکی از سرداران ایرانی در جنگ اسکندر

روشن : تابان ، درخشان

رویبن تن : نام دیگر اسفندیار پسر گشتاسب کیانی

ریوند : میوه ریواس

ز

زادان : نام پدر شهریار از زرتشتیان کازرون

زال : نام پدر رستم

زامیاد : نگهبان زمین

زروان : نام خوانسالار انوشیروان ساسانی

زَریر : دارنده جوشن زرین

زَم : نام یکی از پسران غباد ساسانی

زنگه : از پهلوانان ایرانی در دوره کاووس شاه کیانی

زَهِیر : نام یکی از سرداران شاه کیخسرو کیانی

زَواره : پهلوانی ایرانی. نام پسر زال و برادر رستم

زوپییر : یکی از همدستان داریوش بزرگ در جنگ بابل

زیار : نام پدر مردآویچ

زیگ : راه ستاره شناسی

س

ساسان : نام پدر بزرگ اردشیر بابکان

سالار : پدر زال، پسر نریمان

سام : بهدینی از خاندان گرشاسب

سامان : نام بزرگ زاده بلخ

سَپَرَنگ : نام پسر سام

سَپِنْتا : مقدس، ورجاوند

سَپِنْد : ورجاوند و مقدس. اسفند

سَپِهَر : آسمان

سَپِهَر دَاد : داده یا آفریده آسمان

سَپِیدار : درخت بلند و راست

سَنائِش : خوب گفتن

سَنُورگ : قوی هیکل، نیرومند

سَرافراز : سربلند، با افتخار

سُرائِش : سرودن

سُرخاب : نام پنجمین پادشاه باوندی

سُروش : گوش دادن به صدای وجدان و فرمانبردار

سزاور : شایسته

سَلَم : نام یکی از سه پسران شاه فریدون پیشدادی

سَهْراب : تابش سرخ. نام پسر زال

سورن : دلیر و پهلوان ، توانا

سوشیانت : برگزیده دینی

سیامک : نام پسر کیومرث در شاهنامه

سیاوخش : سیاوش، پسر کیکاووس

سیاوش : نام پسر کیکاووس

سیروس : نام کورش به پیکره دیگر

سینا : یکی از نخستین پیروان اشوزرتشت

ش

شا بهرام : نام بهرام گور پادشاه ساسانی

شاپور : نام دومین شاهنشاه ساسانی

شاخه : بخشی از گیاه و درخت

شاد : نام یکی از بزرگان روزگار ساسانیان

شادان : شادمان و خشنود. نام پسر برزین. از کارمندان نگارش شاهنامه

شادبه : از نام های برگزیده

شادفر : از نام های دوران هخامنشی

شادکام : نام برادر فریدون

شادمان : خوشحال

شادنوش : از نام های برگزیده

شاهرخ : از نام های برگزیده

شاهروز : نام پسر شاه بهرام پادشاه کشمیر

شاهین : نام یکی از بزرگترین سرداران لشکر ایران در زمان خسرو پرویز

شایان : سزاوار ، شایسته

شایگان : گرانمایه، لایق

شباروز : همه گاه، شبانه روز

شباهنگ : مرغ سحر، ستاره بامدادی

شباویز : پرنده شب پرواز

شتاب : چالاکي و سرعت

شتابان : پرسرعت

شروین : نام پسر سرخاب

شکیبا : بردبار

شهاب : ستاره باران

شهباز : باز سفید و بزرگ

شهداد : از نام های برگزیده

شهراد : از نام های برگزیده

شهرام : از نام های برگزیده

شهران : از نام های برگزیده

شهروان : از نام های برگزیده

شهروز : از نام های برگزیده

شهریار : فرمانروای شهر ، نام پسر خسرو پرویز

شهزاد : از نام های برگزیده

شهسوار : دلاور، ماهر

شهیار : از نام های برگزیده

شیان : درختی بلند ، خون سیاوشان

شیدفر : از نام های برگزیده

شیده : نام پسر افراسیاب

شیدور : از نام های برگزیده

شیدوش : نام پسر گودرز. پهلوان نامی زمان

شیردل : شجاع، دلیر

شیرزاد : زاده شیر، بچه شیر ، نامی از روزگار انوشیروا

شیرمرد : از نام های برگزید

شیروان : از نام های برگزیده

شیروش : همانند شیر

شیشم : از ابزار خنیاگری

ف

فاتک : نام پدر مانی نقاش دوران ساسانی

فراز : بالا، بلندی

فرازمان : از نام های برگزیده

فرازمند : از نام های برگزیده

فرامرز : نام پسر رستم زال

فر بُد : نگهبان و نگهدار فر

فر بود : راست و درست

فرخ : بزرگی و شوکت. از مفسران اوستا در زمان ساسانی

فرداد : از نام های برگزیده

فردین : پیشرو در دین

فرزاد : از نام های برگزیده

فرزام : از نام های برگزیده

فرزین : از نام های برگزیده

فرشاد : شادبخت و شادمان

فرشوشتر : یکی از وزیران کی گشتاسب

فرشید : نورانی تر

فرمنش : از نام های برگزیده

فرنام : نام یکی از سرداران شاپور

فرنوش : از نام های برگزیده

فرهاد : پیشرو قانون . نام پهلوانی در شاهنامه . نام چند پادشاه اشکانی

فَرَمَند : از نام های برگزیده

فَرهود : از نام های برگزیده

فرهومند : باشکوه و بزرگ

فُرود : نام پسر سیاوش

فُرَوَرتیش : نام دومین پادشاه ماد

فَرَوَشی : فَرَوَهَر، نیروی اهورایی

فَرَوَهَر : نیروی اهورایی درون انسان

فریان : خاندانی از دوستان اشو زرتشت

فریبرز : نام پسر کیکاووس

فریدون : از پادشاهان پیشدادی، نجات دهنده قوم آریا

فوکا : نوعی درخت بید

فوگان : نوشیدنی از دانه جو

فولاد : از نام های برگزیده

فیروز : نام هجدهمین پادشاه ساسانی

ک

کاچار : سر و سامان

کاردار : پسر مهر نرسی از ارتشتاران دوره ساسانی

کارن : از نام های برگزیده

کاری : تلاشگر

کامبوزیا : کمبوجیه

کامبیز : از نام های برگزیده

کامجو : از نام های برگزیده

کامدین : از نام های برگزیده

کامران : نام دانشمندی زرتشتی اهل شیراز

کامکار : کامروا، کامران

کاموس : نام یکی از سرداران افراسیاب

کامیاب : کامروا، خوشبخت

کامیار : کامیاب ، کامروا

کاوش : جستجو کردن، کاویدن

کاوه : نام آهنگر نامی که پادشاهی ضحاک را با کمک فریدون برانداخت

کاوس : از نام های برگزیده

کاوین : از نام های برگزیده

کرتیر : نام موبد موبدان روزگار شاپور یکم

کرکوی : از نوادگان سلم، پسر فریدون

کمبوجیه : از نام های برگزیده

کورنگ : نام پادشاه زابلستان و پدر زن جمشید پیشدادی

کوروش : بنیانگذار دودمان هخامنشیان

کوسان : نام رامشگری است

کوشا : کوشیدن

کوشان : کوشا بودن

کوشیار : نام یکی از سرداران تبری

کیا : بزرگ، صاحب، پادشاه

کیافر : از نام های برگزیده

کیامرد : از نام های برگزیده

کیامنش : از نام های برگزیده

کیان : جمع کی، پادشاه

کیان پور : از نام های برگزیده

کیانزاد : از نام های برگزیده

کیانفر : از نام های برگزیده

کیانمهر : از نام های برگزیده

کیانوش : نام برادر شاه فریدون پیشدادی

کیقباد : نام سردودمان و نخستین پادشاه کیانیان

کیکاوس : پدر سیاوش و پدر بزرگ شاه کیخسرو کیانی

کیهان : جهان، گیتی

کیوان : نام پدر موبد سروش، از شاگردان دستور آذرکیوان

کیومرس : نام نخستین انسان روی زمین

گ

گالوس : نام پسر فارناک پادشاه کپاد و کیه و هوتیس

گرامی : ارجمند، مقدم

گرانمایه : پرارزش، پر ارج

گرایش : گرویدن، پیروی

گرشاسب : در اوستا به چم پهلوان نامی ، همانند رستم شاهنامه

گرگین : نام پهلوان نامی ایران

گژدهم : از جنگجویان و سرداران کیانی و پدر گردآفرید

گژگین : از نام های برگزیده

گشتاسب : نام پنجمین پادشاه کیانی

گشواد : نام پهلوانی در شاهنامه

گوارا : خوش‌آیند، با مزه

گودرز : نام پسر گیو، از پهلوانان نامی لشکر کیکاووس

گیل : گرد و پهلوان

گیو : پهلوان ایرانی

م

مازار : یکی از سرداران مادی کورش

مازنه : مازندران در اوستا

مازیار : نام پسر غارن. از اسپهبدان تیرستان

ماکان : نام پسر کاکی یکی از فرمانروایان ایرانی

ماندگار : پایدار، ماندنی

مانوش : نام پسر کی پشین و پدر بزرگ لهراسب

مانی : نام پیکر نگار نامی در دوران شاپور

ماهان : نام پسر کیخسرو پسر اردشیر پسر غباد

ماهر : زبر دس

ماهوار : از گوشه‌های موسیقی

ماونداد : نام یکی از مفسران اوستا در زمان ساسانیان

مزدا : دانای بزرگ، پروردگار

مزدک : نام پسر بامداد در دوران ساسانی

مثنیا : نام نخستین مرد در اوستا

منوچهر : پهلوان نژاد. نام نیای سیزدهم اشوزرتشت. نام ششمین پادشاه پیشدادی

منوشفر : نام پدر منوچهر شاه پیشدادی

مه زاد : از نام های برگزیده

مهراب : نام پادشاه کابل و پدر رودابه

مهران : یکی از هفت خاندان نامی دوران ساسانی

مهربان : نگهبان روشنایی و مهر

مهربرُزین : دارنده برترین مهر. نام پسر فرهاد در دوره بهرام پنجم

مهرپرور : از نام های برگزیده

مهرپوی : از نام های برگزیده

مهرپیکر : از نام های برگزیده

مهرجو : از نام های برگزیده

مهرداد : نام چوپانی که کوروش را پرورش داد

مهرزاد : زاده مهر

مهرگان : جشن ملی ایران

مهرمس : مهر بزرگ یا بزرگ مهر. نام نیای ششم اردشیر بابکان

مهرنوش : نام یکی از چهار پسران اسفندیار

مهریار : از نام های برگزیده

مهرین : از نام های برگزیده

مهیار : از نام های برگزیده

مویز : دانه خشک انگور

ن

نارون : نام درختی تنومند

ناشا : دادگر

نامجو : جوینده نام

نامدار : دارنده نام

نامور : از نام های برگزیده

ناورز : سرباز دریایی. از نام های دوران هخامنشی

نریمان : دلیر و پهلوان. دارای اندیشه بلند و مردانه

نستور : نام پسر زریر، برادر شاه گشتاسب

نکیسا : نام نوازنده نامی دوران خسرو پرویز

نمایان : آشکار، هویدا

نوبخت : از نام های برگزیده دوران ساسانی

نوبهار : نام نویسنده دساتیر

نوتریکا : نام سومین برادر اشوزرتشت

نوذر : یکی از سه پسران منوچهر

نوش : شهید، عسل ، انگبین

نوش آذر : نام پسر آذرافروز

نوشی : نوشیروان

نوشیروان : انوشیروان. از نام های برگزیده

نوید : مژده شادمانی

نیسان : نیزار، محل روییدن نی

نیک پی : خجسته ، خوش قدم

نیکدل : از نام های برگزیده

نیکروز : سعادتمند، خوشبخت

نیکزاد : از نام های برگزیده

نیکنام : نیکونام، خوشنام

نیکو : خوب، زیبا، نیکو کار

نیما : نام یکی از شاعران ایرانی

نیو : پهلوان و دلیر

نیوتیش : نام کوچکترین برادر اشوزرتشت

و

واته : ایزد آب در اوستا

وخش : روشنایی یا رویش. نام چهاردهمین نیای آدریاد مهر اسپند

وخش داد : آفریده روشنایی، نام یکی از سرداران هخامنشی

وخشور : پیام آور

ورجاوند : مقدس و نورانی . از نیاکان شاه بهرام

ورزم : شعله آتش، گرمی آتش

ورساز : جوان آراسته و زیبا

وَرَهْرَام : نماد پیروزی

وَسپَار : بخشنده

وَسَنَه : نام کوهی در اوستا

وفادار : از نام های برگزیده

وَلخَش : بلاش، پادشاه اشکانی

وَهامان : نام پدر سلمان فارسی

وَهمنش : خوش منش، نیک منش

وُهومن : ریشه اصلی بهمن امروزی

ویسپرد : از بخش های اوستا

ویشتاسب : نخستین پادشاه همزمان با اشوزرتشت

۵

هارپارک : نام وزیر استیاک آخرین پادشاه ماد

هامان : یکی از درباریان خشایار شاه

هامرز : نام سپهسالار خسرو پرویز ساسانی

هامون : از نام های ایرانی

هامین : تابستان در اوستا

هاون : گاه بامدادی

هاونی : ایزد نگهبان بامداد

هَخامنش : دوست منش. نام سردودمان هخامنشیان

هَردار : نام هشتمین نیای اشوزرتشت

هَرمز : نام سومین پادشاه ساسانی

هرمز دیار : یار خدا

هَزوارش : شرح و تفسیر

هَزیر : دلیر و نامجو

هَزیر : خو و پسندیده، از پهلوانان دوره کیانی پسر گودرز

همتا : مانند، شریک

همگون : هم‌رنگ، همانند

هنگام : زمان، گاه

هوَبَر : دربردارنده نیکی

هوئخَش : سازنده خو. پیشه ور

هوَتِن : فرماندار ساحلی در روزگار داریوش

هوداد : نیک آفرید

هودین : نام سومین نیای آذرباد مهر اسپنتمان

هور : خورشید

هورا : می صاف و مقدس

هوشنگ : پسر سیامک پسر کیومرث، دومین پادشاه پیشدادی

هوشیدر : از نام های برگزیده

هوگَرپ : واژه ای پهلوی خوش اندام

هوم : گیاه مقدس

هومان : از نام های برگزیده

هوَمَت : اندیشه نیک

هومن : خوب‌منش

هیمه : نام داماد داریوش و از سرداران بزرگ پارسی

ی

یادگار : اثر و نشان که کسی از خود باقی بگذارد

یزدان داد : موبدی در سده نهم که در کرمان می‌زیست

یزدان مهر : از نام های برگزیده

یزدان یار : از نام های برگزیده

یزدانشاه : نام پسر انوشیروان دادگر

یزدگرد : نام پادشاه ساسانی

یَسنا : از بخش های اوستا